



سالگرد بازگان در قم

به مناسبت بیست‌ونهمین سالگرد درگذشت مهدی بازگان، جمعی از اعضا و علاقه‌مندان نهضت آزادی ایران طی سفری به شهر قم، بر سر مزار ایشان حاضر شده و یاد این شخصیت مسلح، اخلاق‌گرا و شجاع در عرصه سیاست و تولید اندیشه دینی را گرامی داشتند و پس از قرائت فاتحه و خواندن متن وصیتنامه ایشان، شرکت‌کنندگان در این مراسم، در بیت مرحوم آیت‌الله منتظری حضور یافتند و ضمن دیدار با احمد منتظری، یاد آن بزرگواران و دیگر پیشگامان راه آزادی و کرامت انسانی را گرامی داشتند.

احمد منتظری در سخنانی کوتاه، بر نزدیکی دیدگاه‌های بنیادین زنده‌یادان آیت‌الله منتظری و مهدی بازگان تأکید کرد و با اشاره به فتوای مشهور آیت‌الله منتظری پیرامون حقوق شهروندی بهایبان (آیت‌الله منتظری در خرداد ۸۷ در سخنانی گفت: «که بهائیان ایران اهل این کشور هستند و حق آب و گل دارند و از حقوق شهروندی برخوردار می‌باشند»)، به ذکر اندیشه‌های مرحوم منتظری درباره جایگاه انسان، عقل، حقوق بشر، آزادی و حاکمیت ملت در آموزه‌های قرآنی و فقه پرداخت.

همچنین محمد توسلی، دبیرکل نهضت آزادی ایران نیز در سخنانی کوتاه به فرازهایی از دغدغه‌های حقوق بشری بازگان از منظر اسلام پرداخت و یادآور شد: «اهمیت این بحث در نگاه مهندس بازگان، ریشه در برداشتهای ایشان از آموزه‌های قرآنی و درک مقتضیات جهان معاصر داشته است؛ بهنجوی که بر خلاف گفتمان چپ انقلابی رایج در آن روزگار، بازگان و طالقانی و دکتر سجایی، حقوق بشر را در تراز یکی از محورهای اصلی و از جمله مبانی اعتقادی و سیاسی مندرج در مرامنامه نهضت آزادی ایران در ۱۳۴۰ برجسته کردند.»

در ادامه این مراسم محمدحسین بنی اسدی، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران نیز در این دیدار، بیاناتی درباره پیشسازی دیدگاه‌های آزادی خواهانه و حقوق شهروندی بازگان که متمرکز بر عنصر محبت و عشق و مؤدت بوده است، مطرح ساخت.

پس از این جلسه نشست در مجمع محققین و مدرسین قم برگزار و با طرح سخنانی پیرامون «استقلال نهاد دین از نهاد قدرت»، از منظر کتاب «آخرت و خدا، هدف بعثت انبیاء» نوشته بازگان به تبیین این دیدگاه پرداخته شد.

عبدالرحیم سلیمانی، استاد حوزه و دانشگاه مفید، نخستین سخنران این بخش از مراسم بود و نگرش ناظر بر کتاب «آخرت و خدا، هدف بعثت انبیاء» را متأثر از بینش اصیل قرآن در مورد جایگاه انسان مطرح کرد و یادآور شد: «همان گونه که قرآن کریم، بعثت انبیاء را به جهت عدم بلوغ بشر و برآمده از ضعف و تحقیر انسان و ناتوانی از اداره امور زندگی بشری نمی‌داند و بعثت انبیاء را صرفاً از این جهت ضروری برمی‌شمارد که انگیزه‌ساز مردم در حرکت به سوی استقرار عدالت است، بازگان نیز معتقد بود که بشر در دستیابی به نظام‌های مدیریتی سیاسی و اقتصادی نیازی به پیامبران الهی ندارد و با تجربه و علم خود، قادر است به نیازهای مادی خود دست پیدا کند و ایمان به آخرت و خدا می‌تواند زمینه‌ساز و محرک اقدام بشر برای تیل به عدالت و اصلاح جامعه شود.»

پس از آن سیدعلی اصغر غروی، قرآن‌شناس و عضو ارشد نهضت آزادی ایران سخنران دوم این مراسم بود که طی ایراد سخنانی با موضوع «آخرت و خدا» به شهبانی پاسخ داد که مدعی اند این اثر به نحوی عدول بازگان از دیدگاه‌های سابق وی از تریابی می‌شود. او با رجاع به دیگر کتاب‌های بازگان مطرح کرد که نظریه آخرت و خدا بنا بر تجربه برآمده از انقلاب اسلامی و در ادامه آثار قبلی ایشان قرار دارد.

محمدرضا یوسفی، اقتصاددان و استاد حوزه و دانشگاه، دیگر سخنران این جلسه بود و سخنانی را با عنوان «ویکدره‌ها به دین با نگاهی به کتاب آخرت و خدای مهدی بازگان» و دید جامعه‌نگر ایشان ایراد کرد و یادآور شد که این نگاه بازگان مقرر می‌دارد که ادیان الهی و از جمله اسلام، نظام اداره سیاسی و اقتصادی ندارند بلکه واجد ارزش‌ها و جهت‌گیری‌هایی هستند که می‌تواند در استقرار آزادی، کرامت بشر و عدالت سودمند باشد.

در این برنامه جمعی از فعالان سیاسی و مدنی و شخصیت‌هایی مانند احمد منتظری، محمدعلی ایازی، محمد توسلی، ابوالفضل بازگان، سیدحسین موسوی تبریزی، محمود دردکشان، محمدحسین بنی اسدی، فرهاد بهیانی و محمدحسین منقی حضور داشتند.



تاریخ
انقلاب

عکس ها: پژوهشکده تاریخ جعاصر

نور چشمان روح‌الله

بازخوانی کارنامه مبارزاتی و ایستادگی‌های حسن لاهوتی اشکوری

این شهر ساکن می‌شود تا از این مقطع به صورت رسمی فعالیت مبارزاتی و تبلیغاتی خود را شروع کند. در این زمان، سیر حوادث به گونه‌ای پیش می‌رود که او با همراهی چهره‌ای مانند هاشمی‌رفسنجانی، فضل‌الله محلاتی و مهدوی کنی، جلسه‌هایی را برگزار می‌کنند؛ جلسه‌هایی که پس از خرداد ۱۳۴۲ شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد. هاشمی‌رفسنجانی در مصاحبه‌ای که در مستند حسن لاهوتی داشته، درباره این مقطع گفته است: «بعدها حوادثی در حوره قم اتفاق افتاد که ناچار شدیم از قم به تهران بیاییم. در تهران بیشتر همدیگر را می‌دیدیم، چون ایشان هم از گرمسار به تهران می‌آمد که گاهی برنامه داشت و ما همدیگر را می‌دیدیم. کم‌کم در طول مبارزه جلسات روحانیت مبارز شکل گرفت. به شکلی که الان هست، نبود... جلسات ما قبل از اینکه امام تبعید شوند، شروع شده بود. چون وقتی امام را گرفتند، شرایط نامنی به‌وجود آمده بود که همه تقیه می‌کردیم. آن موقع روحانیون با هم می‌نشستند و برنامه‌ریزی می‌کردند... فضای مبارزه بود و ما هم حزب نبودیم، اما گروهی بودیم که با هم کار می‌کردیم. آن جلسات و تصمیمات خیلی مفید بود. چون هر یک از اعضا، واعظ و سخنور بودند و در شهرهای خود و بین دوستان‌شان موقعیتی داشتند.»

مبارزه مسلحانه

یکی از نکته‌های مهم درباره حسن لاهوتی طرح این پرسش است که آیا او به مبارزه مسلحانه اعتقاد داشته و در این مسیر گام برداشته بود و به خط و مشی سازمان مجاهدین خلق اعتقاد داشت؟ آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی درباره این موضوع در کتاب خاطراتش نوشته است: «در رمضان سال ۱۳۵۳ من را دستگیر و سپس به بوکان برای سه سال، تبعید کردند. ولی پس از دو ماه که در بوکان بودم، به تهران احضار و به زندان، منتقل شدم. ابتدا نمی‌دانستم برای چه مرا به زندان آورده‌اند. بعد که اطلاع یافتم هم‌زمان با آوردن من به تهران، آقایان طالقانی، لاهوتی و هاشمی‌رفسنجانی را هم گرفته‌اند، دانستم که در ارتباط با یک پرونده مشترک باید باشد و محتوای آن پرونده عبارت بود از: کمک مالی به خانواده زندانیان سیاسی و دادن پول برای تهیه اسلحه که البته این دومی، دستکم، نسبت به بنده یک اتهام بود؛ زیرا من، به مشی مسلحانه عقیده نداشتم، ولی این کار از

طریق آقای لاهوتی، انجام گرفته بود که به عکس بنده، ایشان به مشی مسلحانه عقیده داشت و کارهای فرهنگی را انحراف از خط مبارزه می‌دانست.»

اما اکبر هاشمی‌رفسنجانی، اظهارنظرهای مهدوی کنی را به شکل دیگری تکمیل می‌کند. او در مصاحبه با مستند حسن لاهوتی در پاسخ به این سوال که آیا مرحوم لاهوتی به مبارزه مسلحانه اعتقاد داشت و درباره این موضوع در جلسه‌های پیش از انقلاب حرف زده بود، اینگونه پاسخ می‌دهد: «این مسائل در جلسات عمومی مطرح نمی‌شد. مثلاً اگر من با یک جریان آشنا بودم، اگر کسی اطلاعاتی می‌خواست و من هم اعتماد داشتم، به آن شخص می‌گفتم و او هم اگر اطلاعاتی داشت، می‌گفت. چون رژیم خیلی روی مبارزه مسلحانه حساس بود. ما هم بنا نداشتیم اسلحه برداریم. ولی به بچه‌مسلمان‌هایی که به آن راه افتاده بودند، کمک می‌کردیم. گاهی خانواده‌های مبارزین، مشکل یا نیاز داشتند که کمک می‌کردیم. انواع کمک‌ها بود.» او در ادامه تأکید می‌کند که حسن لاهوتی کار مسلحانه نمی‌کرد و توضیح بیشتری درباره این موضوع می‌دهد و می‌گوید: «معمولاً کمک مالی می‌کرد. خودش که پول زیادی نداشت. از این و آن کمک می‌گرفت و به کسانی که نیاز داشتند، می‌داد. اگر وسیله‌ای به دستش می‌رسید، می‌داد.»

اسدالله تجری‌شی، یکی از مبارزهای انقلاب هم درباره این موضوع در گفت‌وگویی که با روزنامه «شهروند امروز» داشت، گفته است: «ما در بازار آقای لاهوتی را پیش‌نماز یک مسجد کرده بودیم که مردم را برای پرداخت وجوهات به او معرفی کنیم و او هم وجوهات را دریافت کند و به ما بدهد تا به سازمان بدهیم. ایشان هم پذیرفته بود و همین کار را می‌کرد.» محمدحسن خاکساران، یکی دیگر از مبارزان انقلاب، در کتاب خاطرات خود اینگونه توضیح داده است: «در میان روحانیون، آقای شیخ حسن لاهوتی بخش زیادی از وجوهاتی را که از خیران و متدینان بازار تهران جمع‌آوری می‌کرد، در اختیار سازمان قرار می‌داد.»

ایستادگی در زندان

آنچه درباره حسن لاهوتی اشکوری و سال‌های مبارزه او مهم و قابل توجه است، سال‌هایی است که او به واسطه مبارزه با رژیم شاه در زندان حضور داشته است. در این ارتباط مراجعه به خاطرات برخی مبارزان، به‌خوبی نشان می‌دهد که ایستادگی او در برابر زندان و شکنجه‌ها تا چه میزان بوده است. در این ارتباط، هاشمی‌رفسنجانی روایتی را از بازداشتش در اول آذر و روبه‌رو شدن او با حسن لاهوتی در زندان بیان کرده که نمونه خوبی برای این موضوع است. او درباره این موضوع گفته است: «بازجوی من عضدی نام داشت که در سال ۴۳ نیز از بازجویی بود که به سختی مرا شکنجه کرده بود. مقداری که مقاومت کردم رفتند آقای لاهوتی را آوردند، برای مواجهه من با ایشان. منظره وحشتناکی داشت. در اثر شکنجه و کتک، سرش بزرگ شده بود، صورتش کج و خونین و عجیب. او را در مقابل من روی صندلی نشاندهند و بازجو، برای تحقیر و شکنستن شخصیت من با بی‌ادبی این شعر را خواند که: جایی که شتر بود به یک